

# موسیقی محلی ایران

سیما بینا

در آذرماه سال گذشته (۱۳۷۱) هنرمند گرامی خانم سیما بینا به خواست جمعی از علاقمندان موسیقی محلی ایران، خلاصه‌ای فشرده دربارهٔ موسیقی محلی خراسان، - که سی سال برای گردآوری و تدوین و تنظیم آن زحمت کشیده‌اند - ایراد کردند که ما درج آن را در کِلک سودمند یافتیم.

باید دانست که موسیقی محلی بخش عمده‌ای در رده‌بندیهای موسیقی هر مملکت و فرهنگی است. صحبت کردن دربارهٔ موسیقی فولکلور کاریست تخصصی و معلومات کافی لازم دارد. من شاید این معلومات و مطالعات را باندازهٔ کافی نداشته باشم... ولی بیش از آنچه بطور علمی با این موسیقی آشنا بشوم خودم از بطن این موسیقی و از مردم این مناطق زاده شده‌ام و در واقع همراه آن زندگی کرده‌ام - البته همیشه سعی داشته‌ام که با مطالعه و تحقیق در این زمینه به تجربه‌هایم حالت مستند و علمی بدهم.

حدود ۱۵ سال پیش وقتی داشتم آخرین آهنگ محلی بیرجند را که، برای ایام نوروز آماده و تهیه کرده بودم، در استودیوی رادیو ایران ضبط می‌کردم، آقای محمدرضا لطفی، هنرمند و استاد تار و سه‌تار آنجا بودند و در فرصتی بحثی را با من شروع کردند. ایشان عقیده داشتند آهنگ‌های محلی را بگذار خود محلی‌ها بخوانند و تو به موسیقی جدی و سنتی خودمان بپرداز. آنها آهنگ‌هایشان را بهتر از تو می‌خوانند. جواب من به ایشان، همین نکته بود: که اولاً من خودم هم که این آوازها را می‌خوانم از همان اهالی هستم و من کسی به غیر از خودشان نیستم، و تازه موسیقی محلی هم یک موسیقی غیرجدی نیست. از طرفی من هم همین موسیقی سنتی و ردیف آوازهای ایران را می‌شناسم و طی سه یا چهار سال نزد بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین استاد آواز آقای عبدالله دوامی ردیف را آموخته‌ام و کار کرده‌ام، می‌دانم همانطور که شما می‌گوئید آوازهای سنتی پایه‌های موسیقی کلاسیک ماست، گویانکه موسیقی محلی ریشه‌های قدیمی‌تر در میان مردم دارد زیرا این موسیقی حتی در آفت و خیزهای تاریخی مملکت ما باز هم سینه به سینه و از نسلی

به نسلی حفظ و منتقل شده است و ما می‌بینیم که بسیاری از گوشه‌ها و نغمه‌های ردیف را همین مقام‌ها و نغمه‌های محلی تشکیل می‌دهند.

بسیاری از اساتید موسیقی دنیا و ایران بخش عمده‌ای از مطالعات و تحقیقاتشان را به موسیقی فولکلور اختصاص می‌دهند و در آهنگ‌هایی که می‌سازند از ملودیها و ریتم‌ها و حالت‌های موسیقی محلی الهام می‌گیرند تا این‌که آهنگشان صمیمی و دلنشین‌تر بشود. استاد ابروالحسن صبا که همیشه نامش در تاریخ موسیقی ایران درخشان خواهد ماند، اهمیت موسیقی فولکلور را دریافته بود.

استاد صبا نیز در سفرها و تحقیقات هنریشان، در سال ۱۳۰۶ به شمال ایران چندین آهنگ زیبای محلی را نوشتند و به ردیف موسیقی سنتی ایران افزودند.

اگر بخواهید بدانید... این قطعات زیبا، چوپانی - کوهستانی - گوسفند دوخان - امیری - در قفس - شرفشاهی - رقص چوبی قاسم‌آبادی - گیلکی رشتی - زرد ملیجه... و دیلمان که از زیباترین قطعات موسیقی ماست در دشتی و دشتستانی اجرا می‌شود، و همه ایرانی‌های اهل ذوق و علاقمند به موسیقی اگر با ردیف هم آشنایی نداشته باشند با این آهنگ که به زیباترین شکلی، شادروان استاد بنان اجرا کرده‌اند، آشنا هستند.

چنان در قید مه‌رت پایبندم  
که گویی آهوی سر در کمندم  
گهی بر درد بی‌درمان بگریم  
گهی بر حال بی‌سامان بخندم  
نه مجنونم که دل بردارم از دوست  
مده‌گر عاقلی بیهوده پندم.

بخشید که سخنان مقدماتی من در مورد اهمیت موسیقی محلی قدری به درازا کشید...

### شرح کوتاهی راجع به شناخت موسیقی محلی

تقریباً همه فرهنگ‌های پیشرفته دنیا، علاوه بر موسیقی سنتی دارای موسیقی دیگری هستند که در نقاط مختلف قلمروشان رواج دارد. در ایران معمولاً به آن موسیقی محلی می‌گویند. شاعر و محقق آلمانی «یوهان گونز فریدهرد» برای اولین بار مفهوم فولکس‌لید یعنی ترانه توده را در این مورد بکار برد.

توده یعنی قشر بنیادی و زیربنایی جامعه و موسیقی توده ترانه‌های اقصای زیربنایی جامعه هستند، یا به زبانی... ترانه توده انعکاس صدای توده‌هاست.

این ترانه با شرایط مساعدی که برای رشد و نمو آن فراهم است میان توده مردم زائیده می‌شود و همین‌که این شرایط مساعد و این عوامل از میان برود، ترانه نیز محو و به فراموشی گرائیده می‌شود.

توده‌ها اکثراً بطور ناخودآگاه آنچه را در درون خود دارند، و آنچه هستند و آنچه می‌خواهند

در قالب ترانه بیان می‌کنند. گاهی ترانه‌ها کنایه‌وار - یا طنزآمیز، و گاه به صورت دادخواهی توده مردم در برابر مظالم طبقه حاکم ظاهر می‌شود.

خلاصه این‌که این ترانه‌های ساده و زیبا در نهایت زلالی بدون هیچ پیروای روحیات طبقات بنیادی جوامع را در زمان خود نشان می‌دهد و نتیجتاً ترانه توده خود حاوی مفهوم جامعه‌شناسی و زیباشناسی است.

به اعتقاد «هردر» محقق آلمانی: ترانه‌های توده مردم هسته و منبع هنری والا را تشکیل می‌دهد.

موسیقی محلی تحت سه عامل مشخص می‌شود:

۱ - خلق ترانه به وسیله توده مردم

۲ - مالکیت ترانه توسط توده

۳ - بازتاب و توصیف خصوصیات طبقه زیربنائی جامعه در ترانه

هر سه عامل مذکور در همه ترانه‌های توده مردم وجود دارد. این ترانه‌ها در سنت ویژه مردم روئیده و نمو کرده و بطور شفاهی نسل به نسل میان آنها تداوم دارد.

اگر بخواهیم یک بررسی گذرا از موسیقی محلی داشته باشیم، باید بدانیم که گروهی از افراد جامعه ترانه را به صورت نوعی ابزار کار در حین کار کردن... و یا در آئین‌های مذهبی... یا به هنگام اعیاد و جشن‌ها... یا اوقات فراغت و سفرهای شبانه‌روزی با اسب، شتر... پیاده و غیره... مورد استفاده قرار می‌دهند. شعر و آهنگ در ترانه‌های محلی یک وحدت جدانشدنی دارند.

از خصوصیات موسیقی محلی تغییر و تحول آن است و این خاصیت به واسطه انتقال این آهنگ‌ها سینه به سینه، نسل به نسل و یا حتی آدم به آدم و منطقه به منطقه است که بر اساس آن فولکلور تداوم می‌یابد.

روستائیان نه فقط قادرند بلکه گرایش شدید دارند که موسیقی موجود در دست‌رسان را تغییر شکل دهند. گاه خواننده قادر نیست ترانه‌ای را که اجرا می‌کند بار دیگر عیناً همان‌طور تکرار کند، چون دائماً در آن خلاقیت تازه‌ای بکار می‌برد. بارها در جستجوی خودم به این نکته برخورده‌ام که یک آهنگ یا ترانه را در نقاط مختلف همان منطقه به گونه‌ها و با تفاوت‌های مختصری می‌شنوم.

### موسیقی سازی محلی

موسیقی سازی محلی نیز به توده مردم تعلق دارد، و همان تعریف موسیقی آوازی توده درباره آن صادق است. یعنی از نهاد توده مردم برخاسته و ملودی‌های آن مالک خاصی ندارد، متعلق به تمامی توده است و خصوصیات زندگی و روحیه توده را بیان می‌کند. موسیقی سازی تنها در چند مورد با موسیقی آوازی تفاوت دارد:

اول فقدان متن و شعر

بعضی وقت‌ها موسیقی سازی برای رقص و حرکت است، مثل رقص شمشیر. در واقع

موسیقی سازی و کلاً موسیقی محلی در خیلی از موارد فقط جنبه هنری مطلق ندارد. بلکه گاهی به اهداف خارج از موسیقی در زندگی روزمره مردم مربوط است. مثلاً سازهای پرسروصدا مثل انواع زنگ‌ها اکثراً به منظور طرد شیاطین و باروری محصول مورد استفاده قرار می‌گیرند. یا بعضی سازهای کوبه‌ای یا سُرنا و غیره که برای خبررسانی و دعوت مردم و اطلاعات دیگر از این قبیل استفاده می‌شود.

### موسیقی محلی خراسان

شناخت من بیشتر روی موسیقی محلی خراسان است. بیش از ۳۰ سال است که ترانه‌های محلی این منطقه را خوانده‌ام و تجربه کافی در مورد موسیقی آن اندوخته‌ام. موسیقی خراسان یکی از اصیل‌ترین آواهایی است که ریشه در فرهنگ کهن این مرز و بوم دارد. خراسان استان بزرگی است، تقریباً سرتاسر شرق ایران از سیستان و بلوچستان را در بر می‌گیرد. بنابراین موسیقی محلی آن هم در هر منطقه‌ای از بعضی جهات متفاوت است زیرا که طبیعت و آب و هوا، زبان و فرهنگ و تاریخ زندگی هر منطقه با محل و منطقه دیگر تفاوت دارد و ما می‌دانیم که فرهنگ بومی و فولکلوریک با جغرافیای ما، ارتباط محکمی دارد طبیعی است مردمی که در مناطق مختلف زندگی می‌کنند خیلی تحت تأثیر شرایط اقلیمی خود هستند. مردمان مناطق کوهستانی با مردمان کویر یا با مردمانی که در طبیعت سرسبز و رنگین با آب و هوای معتدل زندگی می‌کنند متفاوتند... شیوه زندگی و طرز تفکرات و روحیات، سلیقه و ارتباطات و همسایه‌های هم‌مرز همه اینها به عملکردهای فرهنگی و هنری هر منطقه تأثیر می‌گذارد. در واقع ریتم زندگی هر منطقه ریتم موسیقی آنها را می‌سازد همان‌طور که می‌دانید موسیقی از زندگی روزمره مردم جدا نیست. و به هر حال موسیقی محلی خراسان به علت بزرگی و وسعت آن خطه در هر منطقه از بعضی جهات متفاوت است. کلاً می‌شود موسیقی محلی خراسان را به این ترتیب، طبقه‌بندی کرد:

۱ - موسیقی کردی شمال خراسان که شامل شهرهای درگز، قوچان، شیروان، مشهد و اسفراین می‌شود.

۲ - موسیقی ترک‌های خراسان (کلاً آذربایجانی‌های مقیم خراسان)

۳ - موسیقی شهرهای جنوب خراسان (بیرجند، قاین، طبس، فردوس، کاشمر، گناباد)

۴ - موسیقی طوایف بلوچ مقیم خراسان (سرخس)

۵ - موسیقی شهرستانهای مرکزی خراسان (خراسان شرقی) که شامل شهرهای فریمان،

تربت‌جام، تربت‌حیدریه، تایباد، و خواف است.

در میان شهرهای ذکرشده، موسیقی شمال خراسان یعنی قوچان و جنوب خراسان مثل تربت‌جام و بیرجند از همه معروفترند که البته ناگفته نماند چون بیرجند زادگاه پدری من است، شخصاً پایگاه و شروع تحقیقات یا جستجوهای من از نظر ترانه‌ها و آهنگ‌های محلی قرار گرفت و در واقع اکثر ترانه‌های محلی که اجرا کرده‌ام از طرف بیرجند بوده است. به همین جهت حال از

معرفی موسیقی جنوب خراسان و بیرجند شروع می‌کنم و بعد مطالب جالبی را دربارهٔ موسیقی شمال خراسان تهیه کرده‌ام برایتان خواهم خواند، موسیقی بیرجند هم مثل سایر موسیقی‌های محلی به دو بخش عمده تقسیم می‌شود:

۱ - موسیقی ریتم‌دار (با وزن)

۲ - موسیقی کشیده و با متر آزاد

در اینجا باید توضیح داد که موسیقی سنتی و کلاسیک ایران شامل ۷ دستگاه است که هر دستگاه فواصل و گام خاص خود را دارد و در میان این هفت دستگاه موسیقی سنتی ایران، دستگاه شور اصیل‌ترین آنست که بخش اعظم موسیقی‌های محلی ایران بخصوص موسیقی خراسان در این دستگاه یعنی شور و دشتی است.

اشعار ترانه‌های این منطقه معمولاً از دوبیتی‌هایی است که در میان تودهٔ مردم سینه به سینه گفته شده و در این موسیقی شعر و آهنگ قرابت و همزیستی دیرینه‌ای دارد که واقعاً بیانگر روحیات مردم این سرزمین است، گاه در موسیقی این مردم تأثرات کوه و دشت و چشمه‌ساران و پرندگان و گاه طبیعت گرم و نشئهٔ کویر کاملاً حس می‌شود.

در موسیقی ریتم‌دار این منطقه به وزن‌های  $5/8$  یعنی ریتم لنگ بیشتر برمی‌خوریم و این وزن که برای مردم آنجا کاملاً مانوس و آشناست در موسیقی سیستان و افغان هم معمول است، زیرا که این مناطق به هم نزدیک و هم‌مرز هستند بنابراین موسیقی‌شان هم از یکدیگر متأثر می‌شود. فرم ترانه‌های جنوب خراسان به این صورت است که با اشعار دوبیتی، آهنگی را با ملودی ساده‌ای اکثراً در مایهٔ شور و با ریتم‌های مختلف  $6/8$  و  $5/8$  می‌خوانند و با همان ملودی و کمی متفاوت برگردان آن‌را که شعری قدیمی است همگی با هم به صورت گُر می‌خوانند و به قول خودشان پی‌خوانی می‌کنند و کلاً در اجرای موسیقی‌های محلی، همهٔ کسانی که دور هم جمع هستند شرکت می‌کنند و این یکی از مشخصات اجرای موسیقی محلی است که با کف زدن یا پی‌خوانی کردن شور و تأثیر موسیقی را بیشتر می‌کنند. مثال... کسی به کسی نمی‌گوید بخوان... یا برقص.

در این میان آهنگ‌هایی که با ریتم به اصطلاح لنگ اجرا می‌شود حالت عرفانی و سنگین‌تری دارد. حتی آهنگ رقص محلی اصیل بیرجند یا تربت‌جام با همین ریتم لنگ یعنی  $5/8$  سنگین است که بعد در آخر تبدیل به  $6/8$  و شادتر می‌شود.

البته یک نوع رقص دیگر هم دارند که به آن اصول می‌گویند و آن رقص شادتری است که معمولاً با دهل و سُرنا آهنگ آن‌را اجرا می‌کنند. و در عروسی‌ها و مجالس شادمانی می‌رقصند. (مثل آهنگ بانو)

در مجموع مردم بیرجند از یک روحیهٔ نسبتاً شاد و راضی و قانع برخوردارند و حتی گاهی در اشعارشان مطالب شوخی و طنز هم دیده می‌شود که خالی از لطف نیست ولی آهنگ‌های ریتم لنگ گویای حالت عرفانی و تاریخی سرزمینشان است، و اکثر آنگاه از یار... حرف‌های هشق

و دوستی و درد دل‌های زندگی و وضع محصول و غیره در اشعارشان گفته می‌شود:  
بزن نی را که غم داره دل مو / نوع دوم موسیقی محلی این منطقه همان آواز بدون ریتم  
است که به آن غریبی یا فراقی می‌گویند و با صدائی کشیده و سوزناک و غمناک اشعاری از  
دل‌تنگیهای زمانه، و روزگار می‌خوانند.

خداوندا دلم غم داره امشو

که یارم رفته ناپیدایه امشو

کنار چشم مو حاصل بکارید

که آب چشم مو دریایه امشو

این موسیقی بیشتر در کنار جنوب خراسان و بیرجند با نی هفت‌بند خوانده می‌شود.

### موسیقی محلی شمال خراسان

حوزه جغرافیای شمالی خراسان، به این ترتیب است، این منطقه از شرق محدود می‌شود به سرخس، از غرب به دره گلستان یعنی در غرب بجنورد. از شمال کلات نادری و باجگیران، از جنوب هم تا شهر سبزوار می‌رسد و شامل شهرهای: درگز، قوچان، شیروان، اسفراین و بجنورد می‌شود. قبلاً باید توضیح بدهم که مردمان شمال خراسان از سه قوم کرمانج (که از اقوام کرد) ترک و فارس تشکیل شده‌اند. مردمان کرد شمال خراسان در طول تاریخ چندصدساله‌ایکه به این مناطق آمده‌اند، زندگیشان از فراز و نشیب‌های زیادی برخوردار بوده است که در نغمات آنها تأثیر گذاشته است. اینها باید می‌جنگیدند تا زنده بمانند، درست به همین علت است که وقایع تاریخی دقیقاً بر موسیقی آنها تأثیر گذاشته است و اکثراً آهنگ‌هایشان توأم با حزن و اندوه است.

در نوع موسیقی حماسی بیشتر از آوازهایی معروف به هرای یعنی فریاد استفاده می‌شود و تم و روحیه این آوازاها و آهنگ‌ها به واسطه درگیری‌های سالیان متمادی با دشمنان این آب و خاک (ترکمن‌ها، ازبک‌های عثمانی و مغول‌ها) حالت حماسی و رزمی پیدا کرده است، مثل آهنگ خان‌جان، یا آهنگ اسب سیاه سرکش، قوه‌دلی

آهنگ‌های «لو» (Loo) یکی از آوازهای اصیل کرمانجی است که ابتدا در منطقه کوه‌های هزارمسجد، شاه‌جهان و آلاداغ این آهنگ‌ها را می‌خوانند و بعد در سراسر شمال خراسان شنیده می‌شود. این آهنگ‌ها به واسطه طبیعت و فضای زیبای کوهستانی و اصالت فرهنگی، گویای پیام‌های عاشقانه و یا حالت‌های محزون و غمگنانه این مرز و بوم است. اشعار آهنگ‌های «لوی» به قافیه پایند است اما چندان اهمیتی ندارد و به همین جهت مصراع‌ها بلند و کوتاه می‌شود. در مورد موسیقی عرفانی این منطقه بیشتر می‌توان گفت از اشعار جعفرقلی و آهنگ‌های او یاد کرد.

شعرهای عرفانی قالب‌های خاصی دارد که مصراع‌های آن طولانی‌تر از ترانه‌های معمولی می‌شود ترانه‌های معمولی ۸ هجایی است و اشعار عرفانی از ۱۴ هجا به بالا هستند که نمونه‌ای از آن‌را می‌توان در آهنگ معروف به جعفرقلی جستجو کرد.

در این منطقه ترانه‌های عاشقانه و شادتری هم دارند که پر از احساسات زیبا و پرتحرک پسران و دختران جوان است. و با الهام از زیبایی‌های طبیعت سروده می‌شود و گاهی که در رسیدن عاشق و معشوق مشکلاتی و موانعی به وجود می‌آید توأم با سوز و گداز عاشقانه و آه و فغان می‌شود.

### گروه‌های هنری شمال خراسان

۱ - عاشقها - عاشق به گروهی از افراد این جامعه اطلاق می‌شود که با ساز و آلات موسیقی خویش آهنگ‌های شاد یا سوگواری را می‌نوازند و مردم را بهره‌مند می‌کنند. سازهای عاشق‌ها عبارتند از: دهل، سرنا، قدشمه، کمانچه - عاشق‌ها امتیازات ویژه و جایگاه خاصی در ادبیات قومی گردهای خراسان دارند. از دادن مالیات معافند و هر جا خانه خودشان محسوب می‌شود، حق دارند از سران ایل یا روحانیون ایل که در واقع فرمانروایان ایل هستند، انتقاد کنند و هیچ مقامی نمی‌تواند عاشق‌ها را به خاطر انتقادات واقعی‌شان که در عین حال طنزگونه است مجازات کند یا کیفر بدهد.

عاشق‌ها ابداً جز تولید ترانه آهنگ‌های موسیقی، به کارهای تولیدی دیگر نمی‌پردازند و صرفاً کارشان موسیقی است و عاشق‌هایی که به دنبال کار تولید رفته‌اند حق برگشتن به گروه هنری عاشق‌ها را ندارند، حریم انتقادی عاشق‌ها بیشتر به گونه نمایشنامه‌هایی است که در کردی به آن (توره) می‌گویند، این گروه بیشتر طبقه مرفه را به باد انتقاد می‌گیرند. لازم است ذکر شود که در گروه عاشق‌ها زنان هم در نمایشنامه‌ها شرکت دارند.

۲ - بخش‌ها - «بخشی» به فردی گفته می‌شود که قدرت سرودن اشعار و خلق آهنگ‌های ابتکاری را داشته باشد. ساز این گروه تنها «دوتار» است. این گروه به محافل شادی و عروسی دعوت می‌شوند و مورد احترام قرار می‌گیرند و انعام‌هایی درخور شأن آنها به این گروه داده می‌شود. اینها را به این جهت بخشی گفته‌اند که کارشان هنری است و با شعر و شاعری در ارتباط است و این هنر را بخششی از جانب خداوند نسبت به خود می‌دانند «بدین معنا که بخشی از موهبت الهی به آنها اعطا شده است» معزوترین و قدیمی‌ترین بخش‌های شمال خراسان مرحوم رحیم بخشی است. بخشی‌ها حق انتقاد ندارند و معمولاً در کنار موسیقی به شغل دیگری مثل کشاورزی و غیره می‌پردازند.

۳ - لوطی‌ها - ساز لوطی‌ها تنها دایره است، اینها روستا به روستا، کوه به کوه و ایل به ایل می‌گردند و در واقع در حکم رسانه‌های گروهی اخبار را در قالب شعر به گوش همه می‌رسانند. اینها وظیفه‌شان سرودن تصنیف‌های شاد و طنزآور است. این گروه نیز از طبقه مرفه و آدم‌های خسیس و حسود انتقاد می‌کنند.

دیگر چوپانان و مردان چادر نشین هستند که ساز موسیقی آنها فقط «نی هفت‌بند» است. مردم نواحی شمال خراسان به موسیقی بیش از غذای روزانه خویش بها می‌دهند و به همین دلیل است که گروه‌های هنری گوناگون در میان آنها رشد کرده است.